

پیش بینی تصور مثبت از خدا بر اساس جو عاطفی خانواده و فرزندپروری ادراک شده از مادر در دانشجویان

Predicting a Positive Image of God Based on Family Emotional Climate and Perceived Maternal Parenting in Students

✉ عرفان طالبی / دکتری تخصصی گروه روان شناسی دانشکده علوم و معارف اسلامی، دانشگاه علوم قرآن و حدیث، شهر ری، ایران.

مهدیه آقامحمدی / کارشناسی ارشد روان شناسی اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

فاطمه خداداد / کارشناس روان شناسی دانشگاه قرآن و حدیث، شهر ری، ایران.

✉ Erfan Talebi / PhD, Department of Psychology, Faculty of Islamic Sciences and Knowledge, University of Quran and Hadith, Rey, Iran. talebi_erfan@yahoo.com

Mahdieh Aghamohammadi / M.A. in Islamic Psychology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran.

Fatemeh Khodadad / B.A. in Psychology, University of Quran and Hadith, Rey, Iran.

Abstract

The present study aimed to predict a positive image of God based on family emotional climate and perceived maternal parenting among students. This study was fundamental in nature, and its research method was descriptive-correlational. The statistical population included all male and female students of the University of Quran and Hadith in the first semester of the 2024-2025 academic year. A sample of 210 participants was selected through convenience sampling, and data were collected using the Hill Burn Family Emotional Climate Questionnaire (1964), the Parental Perception Questionnaire by Grolnick et al. (1997), and the Image of God Questionnaire by Greenway et al. (2003). For data analysis, structural equation modeling using the partial least squares approach was employed in the inferential statistics section. The results showed a positive and significant path coefficient between perceived parenting style (0.333) and image of God, as well as between family emotional climate

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی تصویر مثبت خدا در ذهن بر اساس جو عاطفی خانواده و فرزندپروری ادراک شده از مادر در دانشجویان انجام شد. این پژوهش بنیادی و روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه علوم قرآن و حدیث در نیم سال اول تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود که نمونه ای به حجم ۲۱۰ نفر با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و داده ها با استفاده از پرسش نامه های جو عاطفی خانواده هیل برن (۱۹۶۴)، ادراک از فرزندپروری گرولنیک و همکاران (۱۹۹۷)، تصویر از خدا گرینوی و همکاران (۲۰۰۳) جمع آوری شدند. در تجزیه و تحلیل داده ها از روش مدل سازی معادلات ساختاری به شیوه حداقل مربعات جزئی در بخش آمار استنباطی استفاده شد. نتایج نشان داد ضریب مسیر مثبت و معناداری بین سبک فرزندپروری ادراک شده (۰/۳۳۳) با تصویر خدا و جو عاطفی خانواده (۰/۳۶۶) به تصور مثبت از خدا

(0.366) and a positive image of God ($p < 0.01$). Based on the findings, the importance of the mother's role, maternal function, and her manner of interaction with the child, as well as the position and foundation of the family in shaping a positive image of God, is emphasized.

Key words: positive image of God, emotional climate, perceived parenting.

وجود دارد ($p < 0.01$). بر اساس نتایج این پژوهش تبیین اهمیت جایگاه مادر، نقش مادری و شیوه تعامل او با فرزند و همچنین جایگاه و بنیاد خانواده در شکل‌گیری تصور مثبت از خدا مورد تأکید است.

کلیدواژه‌ها: تصور مثبت از خدا، جو عاطفی، فرزندپروری ادراک‌شده.

مقدمه

دین یکی از بحث‌برانگیزترین موضوعات در تاریخ محسوب می‌شود، حجم قابل توجهی از مطالب به باورها، ارزش‌ها و اعمال مذهبی اختصاص دارد (ورگان^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). خداوند به‌عنوان مبدأ آفرینش، از مهم‌ترین موضوعاتی است که ذهن بشر را به خود معطوف کرده است. تصور از خدا^۲ یک متغیر پیچیده است که به نظر می‌رسد مفهومی چندبعدی است که در هر فرد تا حد زیادی به رابطه او با خدا برمی‌گردد و در واقع بینش نسبت به تصور از خدا پیش‌نیازی برای درک کاملی از رابطه فرد با خدا است (صفایی حایری، ۱۳۹۹). به فرمایش امام علی^{علیه السلام} در خطبه^۳ ۲۳۷ نهج/البلاغه انسان‌ها خداوند را به یکی از سه نوع ذکرشده عبادت می‌کنند:

گروهی خدا را از روی رغبت و میل (به بهشت) پرستش کردند، این عبادت تاجران است و عده‌ای از روی ترس او را پرستیدند و این عبادت بردگان است و جمعی دیگر خدا را برای شکر نعمت‌ها (و اینکه شایسته عبادت است) پرستیدند، این عبادت آزادگان است^۴ (رضی، ۱۴۰۲).

از این‌رو تصویر خدا مفهومی محوری در معنویت و مذهب است که به‌عنوان بنیادی‌ترین سازه روان‌شناختی در روان‌شناسی دین مورد توجه قرار گرفته است (لارنس، ۱۹۹۷^۴ به نقل از: غباری بناب و حدادی، ۱۳۹۰). نخستین بار رایتو^۵ (۱۹۷۹)، به نقل از: برات‌پور و نادری، ۱۴۰۲) تصویر ذهنی از خدا را بررسی روان‌شناختی کرد. به نظر او تصور ذهنی از خدا دربرگیرنده برداشت احساسی و تجربی فرد از خداست که برگرفته از نظریه روان تحلیل‌گری است. لارنس (۱۹۹۷) تصور از خدا را مفهومی شناختی از خداوند تعریف کرده است که برداشتی شهودی از خداست و از طریق مجموعه‌ای از یادآوری‌ها،

1. Verhagen, P.

2. The image of God

۳. «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَلَيْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَلَيْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَلَيْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»

4. Lawrence, R. T.

5. Rizzuto, A. M.

تداعی‌های مرتبط با آن و تجربه‌ها مشخص می‌شود. تصور از خدا تجربه یک فرد از خداست؛ در نتیجه، یک نوع فرایند ترکیب محفوظات و تنظیم انبوهی از خاطراتی است که ارتباط اولیه با خدا دارد. تصور افراد از خداوند به دو دسته تصور مثبت و منفی تقسیم می‌شود. در تصور مثبت، خداوند به صورت مهربان، حمایت‌کننده و هدایتگر تصور می‌شود که می‌تواند نقش آرامش‌بخش اساسی در زندگی افراد داشته باشد، و در تصور منفی، خدا با اصطلاحات منفی همچون طردکننده، نامهربان، سخت‌گیر تصور می‌شود که ناامیدی، تنفر و خلق منفی در افراد را در پی دارد (گرینوی، ۲۰۰۳^۱، به نقل از: خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱). نتایج پژوهش برآبادی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد در الگویی که افراد خداوند را بخشنده و دوست خود می‌دانند و با او از طریق برقراری یک رابطه عاشقانه ارتباط برقرار می‌کنند، خداوند را اولین مددکاری می‌دانند که در دسترس بوده و در مشکلات به یاری آنها می‌آید.

در پژوهش ایرلینگ بونتکو، وان ستیج و ورسچور^۲ (۲۰۱۵) نتایج نشان داد اعضای کلیسای اصلاح‌شده ارتدوکس نسبت به اعضای کلیسای پنطیکاستی، مفهوم منفی‌تری از خدا دارند و خدا را به‌ویژه به‌عنوان یک قاضی تنبیه‌کننده، مستقل از شخصیت، دلبستگی و ناراحتی روانی می‌بینند که نشان‌دهنده تأثیر بسیار زیاد فرهنگ دینی بر این نوع خاص از مفهوم خداست.

از بین متغیرهای مختلف اثرگذار بر تصویر خدا، خانواده^۳ به‌عنوان یک بنیاد تربیتی از مهم‌ترین و پیشگام‌ترین متغیرهاست؛ چراکه خانواده که مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین‌فردی است، به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی، عملکردش نقش مهمی در تحول روان‌شناختی فرزندان دارد (رحیمی‌نژاد و پاک‌نژاد، ۱۳۹۳). جو عاطفی خانواده^۴ «به مجموع روابط و تعاملات عاطفی که بین اعضای یک خانواده وجود دارد، همانند بیان احساسات و علایق، نحوه ارتباط و طرز برخورد افراد با یکدیگر گفته می‌شود» (فیروزی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۵۹). جو عاطفی خانواده و نحوه تعامل والد و فرزند از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل بروز نحوه شکل‌گیری رفتارها، باورها و نگرش‌های فرزندان است (عاشقی و دیگران، ۱۳۹۸). رابطه والد - فرزندی و نحوه برخورد اعضای خانواده با فرزندان یکی از متغیرهای مهم در رشد اجتماعی و روانی کودکان محسوب می‌شود؛ زیرا خانواده اولین مکانی است که کودک در آن رشد می‌کند و این نهاد نقش مؤثری در برطرف کردن نیازها، به‌ویژه نیازهای روانی فرزندان ایفا می‌کند (نیک‌سیرت و هاشمی، ۱۳۹۵). از این رو امام رضا^{علیه السلام} در اشاره به اهمیت خانواده می‌فرماید: «نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت کسی

1. Greenway

2. Eurelings-Bontekoe, E. H. M., Hekman-Van Steeg, J. & Verschuur, M. J.

3. Family

4. The emotional atmosphere of the family

است که خوش خلق‌تر و برای خانواده خود بهترین باشد»^۱ (ابن شعبه حرائی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۰). برخی از پژوهشگران در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که خانواده مطلوب، احساس ارزشمندی، احساس تعلق و مورد عشق و علاقه بودن را فراهم می‌کند. در چنین خانواده‌هایی افراد فرصت بیشتری برای کسب استقلال و مسئولیت‌پذیری خواهند داشت (مصباح، صدری دمیچی، ۱۴۰۲). از جمله مؤلفه‌های جو عاطفی خانواده می‌توان به محبت کلامی، نوازش جسمانی، تأیید کردن نظرات و دیدگاه‌ها، داشتن تجارب مشترک اعضای خانواده در کنار هم، هدیه دادن، تشویق کردن، وجود اعتماد در رابطه و احساس امنیت در خانواده اشاره کرد (هیل برن، ۱۹۶۴). بنا بر نظر شاو^۲ (۲۰۱۶) از طریق ارائه عشق بی‌قیدوشرط با مرزهای روشن، ما پایه‌ای را برای کودکان ایجاد می‌کنیم تا عشق و قدوسیت خداوند را تجربه کنند. لی^۳ (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی طلاق والدین، به‌عنوان یکی از موانع روابط صمیمانه والد - فرزندی پرداخت و نشان داد کودکان در خانواده‌های مطلقه به احتمال زیاد به‌طور ناایمن به خدا وابسته می‌شوند و بین تصویر خدا و مفهوم خدا سردرگم می‌شوند؛ زیرا فرزندپروری ناکافی و روابط ناسالم والد و فرزند در طول و بعد از طلاق بر روابط آنها با خدا تأثیر منفی می‌گذارد. شهبایی‌زاده و مظاهری (۱۳۹۱) در نتایج پژوهش خود گزارش دادند که درک راهبردهای مذهبی حائز اهمیت است، بلکه کنش‌وری خانواده در این رابطه نقش مهمی ایفا می‌کند.

از میان عوامل خانوادگی، شیوه فرزندپروری ادراک‌شده از والدین^۵ نقش بسیار مهمی در ایجاد ارتباط انسان با خداوند دارد (نوروزی و سپهریان آذر، ۱۳۹۵). شیوه‌های فرزندپروری، اعتقاد و نظر والدین نسبت به چگونگی ارتباط با کودک است که والدین در رابطه با فرزندان خود اعمال می‌کنند و در شکل‌گیری شخصیت آینده کودک نقش بسزایی دارد (گلوبز، ۱۹۹۶). هدف تمامی شیوه‌های فرزندپروری، پرورش کودک و آماده‌سازی وی برای ایفای نقشی است که زندگی بر عهده‌اش می‌گذارند (رهواره و همکاران، ۱۴۰۱). کودکان چنان پرورش می‌یابند که بتوانند راه و رسم زندگی والدین خود را در ایفای نقش خود پی گیرند (آقامحمدی، ۱۳۹۳). والدین واسطه انتقال آرمان‌های فرهنگی کودک به اجتماع هستند، انسان اولین بار، آرمان‌ها و بایدها و نبایدها را از محیط خانواده و والدین خود می‌آموزد (صفایی حایری، ۱۳۹۹). بامریند^۶ (۱۹۶۷) بر اساس دو بعد پاسخ‌گویی و تقاضامندی والدین، سه سبک

۱. «أَقْرَبَكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَخَيْرُكُمْ لَأَهْلِهِ»

2. Hillburn, J. M.

3. Perry W. H., Shaw

4. Lee, Soo-Young

5. Perceived parenting style of parents

6. Glover Rebecca, J.

7. Baumrind, D.

تربیتی (فرزندپروری) را پیشنهاد داد: سبک فرزندپروری مقتدرانه والدینی مقتدر که هم پذیرنده و هم متوقع هستند، سبک فرزندپروری مستبدانه والدینی که متوقع هستند، اما پذیرنده نیستند، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه والدینی که پذیرنده هستند، اما متوقع نیستند. سبک فرزندپروری مورد پسند دین مبین اسلام سبک مقتدرانه است؛ چراکه پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

مهر خداوندی از آن کسی باد که فرزند خود را در نیکو شدنش یاری دهد. (راوی می‌گوید: به حضرت عرض کردم: چگونه می‌تواند او را در نیکو شدنش یاری دهد؟) حضرت فرمودند: کاری را که با آسانی انجام داده است از وی بپذیرد، از کاری که انجام دادن آن برایش سخت است درگذرد، او را به کاری بیش از توانش و ندارد، و وی را نادان نپندارد^۱ (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص، ۲۸۳، به نقل از: کتانی و جان‌بزرگی، ۱۴۰۳).

در همین راستا گفتنی است، اگرچه نقش و جایگاه پدر بر هیچ‌کس پوشیده نیست، اما مادر نقشی بسیار پراهمیت در تربیت و رشد فرزندان دارد (پاتریک، ۲۰۰۰).

هال^۳ (۱۹۴۰، به نقل از: مصباح، ۱۳۹۴) بیان می‌کند که احساسات اساسی دین در ماه‌های اولیه کودکی، قابل باروری است؛ بنابراین در این ماه‌های نخست با مراقبت دلسوزانه از کودک که باید همراه با آرامش و قرار آمیخته باشد و از محرک‌های شدید و احساسات یا جابه‌جایی‌های غیرمنتظره دوری شود، این احساسات بنیادین پدید می‌آیند و بدین سان رشد اعتماد، قدرشناسی و عشق در کودک پرورش می‌یابد. این احساسات در آغاز متوجه مادر شده، و سپس به‌سوی خدا منعطف می‌گردد. کریک پاتریک در ابتدا با گسترش نظریه دلبستگی^۴ جان بالبی^۵، مفهوم سبک دلبستگی به خدا را بررسی کرد. او بر این باور است که تاریخچه دلبستگی با تفاوت‌های فردی عقاید مذهبی و الگوهای روان‌شناختی از خدا هماهنگ هستند، لذا بین ادراک دلبستگی دوران کودکی و اعتقادات انسان به خدا نیز رابطه وجود دارد. پاتریک معتقد است زمانی که شخص درمانده است، همان ارتباطی را با خدا برقرار می‌کند که در خلال کودکی با والدین خود داشته است و سبک‌های دلبستگی به والد پایه شکل‌گیری ارتباط با خدا می‌شود. گرولینک و همکاران^۶ (۱۹۹۷) سه مؤلفه مهم را در شیوه فرزندپروری ادراک‌شده از سوی مادر توسط فرزند را مطرح کردند که شامل گرمی مادر در عشق و علاقه به فرزند، اشتغال و حضور مادر به

۱. «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ (قال: قُلْتُ: كَيْفَ يَعِينُهُ عَلَى بَرٍّ؟) قال: يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يَرْهَقُهُ وَلَا يَخْرُقُ بِهِ...»

2. Kirkpatrick, L. A.

3. Clark L. Hull

4. attachment theory

5. Jone Balby

6. Grolnick, W. S., Ryan, R. M. & Deci, E. L.

فرزند که خود شامل پاسخ‌گویی جسمانی و هیجانی نسبت به فرزند است و در نهایت حمایت از خودمختاری از طرف مادر می‌باشد. رابطه فرد با خدا و تصویری که او از خداوند در ذهن دارد، متأثر از کیفیت رابطه او با مراقبان اولیه و والدین خود اوست (قابضی و دیگران، ۱۳۹۶). لوسیا و جویزی^۱ (۲۰۲۳) در نتایج پژوهش خود گزارش دادند، اگر والدین کودک خود را بپذیرند، منجر به تصویرسازی مثبت از خود و همچنین شکل‌گیری مفهوم خدا در کودک می‌شود، اما در صورتی که والدین کودک خود را نپذیرند، تصویر خود در کودک شکل نمی‌گیرد؛ در نتیجه، مفهومی از پذیرش خدا نیز در او شکل نمی‌گیرد. شیشه‌بر و اسعدی (۱۳۹۸) در نتایج پژوهش خود گزارش دادند خانواده‌های استبدادگر، سخت‌گیر و محافظت‌کننده موجب اضطراب و اجتناب از خدا می‌شوند. نوروزیان و سپهریان آذر (۱۳۹۵) در نتایج خود به این مفهوم اشاره کردند که سبک فرزندپروری مقتدر که با گرمی، راهنمایی و انتظارات معقول مشخص می‌شود، ممکن است دیدگاه مثبت کودک را نسبت به خدا به‌عنوان دوست‌داشتنی، عادل و دلسوز تقویت کند. با توجه به نتایج بررسی پیشینه داخلی و خارجی در رابطه با متغیرهای جو عاطفی خانواده، سبک فرزندپروری با تصویر خدا در ذهن با یکدیگر ارتباط دارند. این در حالی است که بر اساس یافته‌های پژوهش‌های مختلف، سازه روان‌شناختی عمیقی همچون تصویر ذهنی خدا که پایه‌ای برای توسعه کمی و کیفی دین‌داری است، در بستر خانواده شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، درک مبتکرانه خدا توسط کودکان، عمیقاً توسط روابط آنها با والدین شکل می‌گیرد. باین وجود، تا به حال این متغیر به‌طور هم‌زمان در کنار جو عاطفی خانواده و سبک فرزندپروری مطالعه نشده است. بنابراین به دنبال پاسخ این پرسش هستیم که آیا جو عاطفی خانواده و سبک فرزندپروری والدین تصور از خدا در ذهن دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر، نظری است و هدف آن بهبود یا گسترش دانش و حوزه مطالعاتی است، لذا پژوهش حاضر از نوع بنیادی و داده‌های مورد استفاده کمی است. روش پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است؛ زیرا پژوهشگر با استفاده از یافته‌های پژوهش، اطلاعات را کسب و بدون هیچ تغییری در قالب یک مدل توصیف نموده و نقش متغیرهای جو عاطفی خانواده و سبک فرزندپروری را جهت پیش‌بینی تصویر خدا در ذهن مورد بررسی قرار داده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی دانشگاه قرآن و حدیث نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بوده و نمونه به روش در دسترس انتخاب شده است. در

مدل‌یابی معادلات ساختاری تعیین حجم نمونه می‌تواند بین ۱۵۰۰ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه‌گیری‌شده تعیین شود و حجم نمونه نباید زیر ۲۰۰ نفر باشد (سرمد، حجازی و بازرگان، ۱۳۹۰). در این پژوهش هشت خرده‌مقیاس در جو عاطفی خانواده، سه خرده‌مقیاس در فرزندپروری ادراک‌شده از مادر و دو خرده‌مقیاس تصویر مثبت و منفی از خدا جمعاً سیزده خرده‌مقیاس اندازه‌گیری شده است. در نتیجه، طبق قاعده فوق، حجم نمونه این پژوهش عددی بین ۶۵-۱۹۵ می‌باشد، اما نباید حجم نمونه زیر ۲۰۰ نفر باشد. پس از توزیع پرسش‌نامه در پلتفرم مجازی پرس‌لاین و با حذف داده‌های غیر قابل قبول، در نهایت ۲۱۰ پرسش‌نامه مورد بررسی آماری قرار گرفت که در این امر ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه، پاسخ‌گویی صادقانه و حفظ اطلاعات شخصی بود. در پژوهش حاضر جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین^۱ و انحراف معیار^۲ و همچنین روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به شیوه حداقل مربعات جزئی^۳ در بخش آمار استنباطی استفاده شد و از نرم‌افزارهای آماری SPSS نسخه ۲۷ و نسخه ۳ Smart-pls برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

ابزار پژوهش

۱. پرسش‌نامه جو عاطفی خانواده

پرسش‌نامه جو عاطفی خانواده در سال (۱۹۶۴) توسط آلفرد هیل برن با هدف «ارزیابی جو عاطفی خانواده» (رابطه پدر - فرزندی و رابطه مادر - فرزندی، یعنی محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه دادن، تشویق کردن، اعتماد، احساس امنیت) طراحی و تدوین شده است. این پرسش‌نامه دارای ۱۶ سؤال و ۸ بعد می‌باشد و بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت به سنجش جو عاطفی خانواده می‌پردازد. در این تحقیق منظور از جو عاطفی خانواده نمره‌ای است که پاسخ‌دهندگان به سؤالات ۱۶ گویه‌ای پرسش‌نامه جو عاطفی خانواده می‌دهند. هر دو سؤال یکی از خرده‌مؤلفه‌های جو عاطفی را اندازه‌گیری می‌کنند و پرسش‌نامه سؤال معکوس ندارد. در پژوهش عسگری و همکاران (۱۳۹۰) برای بررسی همسانی درونی این مقیاس از روش‌های آلفای کرونباخ^۴، تنصیف^۵ و گاتمن^۶ استفاده شد که به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول این مقیاس است. در پژوهش حاضر میزان پایایی کل این ابزار بر اساس آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد.

1. The average
2. Standard deviation
3. Structural equation modeling using partial least squares
4. Cronbach's alpha
5. Halving
6. Guttman

۲. پرسش‌نامه‌ی فرزندپروری ادراک‌شده

پرسش‌نامه‌ی ادراک از والدین توسط گروینک و همکارانش در سال ۱۹۹۷ با ۲۱ گویه برای سنجش فرزندپروری ادراک‌شده از مادر ساخته شده است که دربرگیرنده ۳ مؤلفه‌ی درگیری مادر، درگیری حمایت مادر از خودمختاری، گرمی مادر در رابطه می‌باشد که بر اساس مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای است. هرچه نمره‌ی حاصل‌شده از این پرسش‌نامه بیشتر باشد، نشان‌دهنده‌ی میزان بیشتر ادراک مثبت فرد از نحوه‌ی عملکرد مادر در رابطه خواهد بود و بالعکس. در پژوهش میری و همکاران (۱۳۹۱) روایی محتوایی، صوری و ملاکی این پرسش‌نامه مناسب ارزیابی شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده در پژوهش میری و همکاران برای این پرسش‌نامه بالای ۰/۷ برآورد شد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱۲ به‌دست آمد.

۳. پرسش‌نامه‌ی تصور از خدا

پرسش‌نامه‌ی تصور از خدا، از مقیاس وضعیت مذهبی (RSI) گرینوی و همکاران (۲۰۰۳) از آیت‌هایی که مربوط به خداوند بوده، اقتباس و به‌کار گرفته شده است. این آزمون شامل ۲۷ سؤال و سه خرده‌آزمون حضور خدا، مراقبت خداوند و تصور منفی از خداوند است. خرده‌آزمون‌های حضور خدا در زندگی و مراقبت خداوند با هم ترکیب شده و مقیاس تصور مثبت از خدا را تشکیل داده‌اند. بنابراین در نهایت پرسش‌نامه از دو مقیاس اصلی تصور مثبت از خدا و تصور منفی از خدا تشکیل شده است. نمره‌گذاری این آزمون به شیوه‌ی لیکرت است. این پرسش‌نامه توسط خسروی (۱۳۸۴) ترجمه شده است. گرینوی و همکاران پایایی درونی سه خرده‌آزمون حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خدا را به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۲ و ۰/۶۹ به‌دست آورده‌اند و آن را نشانه‌ی پایایی درونی خوب این آزمون می‌داند. فیض‌آبادی و خسروی (۱۳۸۸) پایایی پرسش‌نامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای زیرمجموعه‌های تصور منفی از خدا، ۰/۷۶، تصور مثبت از خدا، ۰/۸۵، حضور خدا در زندگی، ۰/۸۳ و برای کل پرسش‌نامه، ۰/۷۹ و نتیجه‌ی آزمون و آزمون مجدد را ۰/۷۹ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ برای تصور مثبت از خدا ۰/۸۲۲ و برای تصور منفی از خداوند ۰/۹۲۶ به‌دست آمد.

یافته‌های پژوهش

حجم نمونه‌ی نهایی شامل ۲۱۰ نفر از دانشجویان بود که تعداد ۵ نفر از نمونه‌ی نهایی به‌عنوان داده‌های پرت خارج شدند و از این تعداد ۱۸۰ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی و ۳۰ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد بودند. در جدول (۱) شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (n=۱۲۴)

نام متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
سبک فرزندپروری	درگیری مادر	۲۸/۴۱۹	۸/۶۲۸	-۰/۱۹	-۱/۰۲۶	۹	۴۲
	حمایت مادر از خودمختاری	۴۲/۱۲۱	۱۲/۰۸۹	-۰/۲۳۸	-۰/۴۸۶	۱۲	۶۳
	گرمی مادر	۳۳/۱۶۱	۸/۱۲۳	-۰/۹۷۷	۰/۳۶۷	۸	۴۲
	نمره کل فرزندپروری ادراک‌شده	۱۰۳/۷۰۲	۲۶/۷۳۱	-۰/۳۲۷	-۰/۶۰۵	۳۹	۱۴۷
جو عاطفی خانواده	محبت	۶/۲۵۸	۱/۵۰۸	-۰/۷۵۳	-۰/۱۷۳	۲	۸
	نوازش	۵/۳۱۵	۱/۷۸۲	-۰/۳۱۲	-۰/۸۱۶	۲	۸
	تأیید کردن	۵/۸۶۳	۱/۵۲۱	-۰/۶۳۷	۰/۰۷۸	۲	۸
	تجربه‌های مشترک	۵/۰۷۳	۱/۷۸۱	-۰/۰۵	-۰/۸۸۴	۲	۸
	هدیه دادن	۵/۶۷۷	۱/۶۸	-۰/۴۷۱	-۰/۴۰۱	۲	۸
	تشویق کردن	۵/۷۱	۱/۷۹۳	-۰/۴۷۴	-۰/۶۹۶	۲	۸
	اعتماد	۶/۲۱	۱/۶۸۸	-۰/۵۹۴	-۰/۵۳۸	۲	۸
	احساس مثبت	۶/۳۷۹	۱/۶۴۶	-۰/۷۷۲	-۰/۳۸۴	۲	۸
	نمره کل	۴۶/۴۸۴	۱۰/۸۳۷	-۰/۴۵۵	-۰/۶۰۴	۲۰	۶۴
تصور مثبت از خدا	حضور خدا در زندگی	۴۶/۲۱	۶/۹۴۳	-۰/۶۹	-۰/۳۹	۲۸	۵۵
	مراقبت خداوند	۳۹/۸۲۳	۶/۹۷۶	-۰/۸۳۳	۰/۷۷۹	۱۳	۵۰
	نمره کل	۸۶/۰۳۲	۱۲/۸۲۴	-۰/۶۳۷	-۰/۴۶۹	۵۳	۱۰۵

بر اساس نتایج گزارش‌شده در جدول (۱) میانگین سبک فرزندپروری ادراک‌شده برابر ۱۰۳/۷۰، میانگین جو عاطفی برابر ۴۶/۴۸ و میانگین تصور مثبت از خدا برابر ۸۰/۰۳ است. همه شاخص‌های کجی^۱ و کشیدگی^۲ در دامنه ۲+ الی ۲- قرار دارند.

برای بررسی میزان پیش‌بینی‌کنندگی تصور مثبت از خدا بر اساس سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و جو عاطفی خانواده از مدل‌یابی معادلات ساختاری به شیوه حداقل مربعات جزئی استفاده شد. برای انجام این کار ابتدا پایایی و روایی مدل اندازه‌گیری متغیرها با استفاده از میزان بارهای عاملی،^۳ آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی^۴ و میانگین واریانس استخراج‌شده^۵ (AVE) بررسی شد.

1. Skewness
2. Kurtosis
3. Factor loads
4. Composite Reliability
5. Average Variance Extracted

جدول ۲: شاخص‌های مربوط به کیفیت مدل اندازه‌گیری متغیرها

متغیر	نشانگر	بارهای عاملی	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE
سبک فرزندپروری	درگیری مادر	۰/۹۰۵	۰/۹۱۲	۰/۹۴۵	۰/۸۵۱
	حمایت مادر از خودمختاری	۰/۹۵۳			
	گرمی مادر	۰/۹۰۸			
جو عاطفی خانواده	محبت	۰/۸۳۶	۰/۹۲۵	۰/۹۳۸	۰/۶۵۶
	نوازش	۰/۸۰۸			
	تأیید کردن	۰/۸۱۷			
	تجربه‌های مشترک	۰/۷۹۹			
	هدیه دادن	۰/۷۶۵			
	تشویق کردن	۰/۸۱۸			
	اعتماد	۰/۷۷۰			
تصور مثبت از خدا	احساس مثبت	۰/۸۵۸	۰/۸۲۲	۰/۹۱۸	۰/۸۴۹
	حضور خدا در زندگی	۰/۹۲۸			
	مراقبت خداوند	۰/۹۱۵			

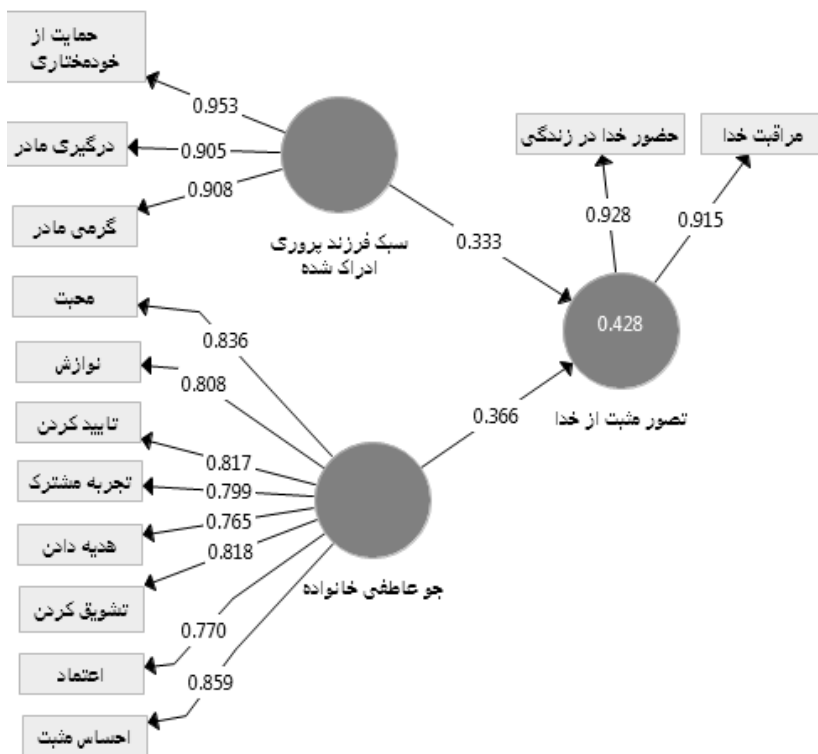
همان‌گونه که از داده‌های جدول (۲) مشاهده می‌شود، میزان بارهای عاملی متغیرهای نشانگر هر عامل بزرگ‌تر از ۰/۷۰ است و نشان می‌دهد که متغیرهای نشانگر از بار عاملی مطلوبی برخوردار هستند. میزان آلفای کرونباخ به‌عنوان معیار سنتی و محافظه‌کار برای همسانی درونی و پایایی ترکیبی یا مرکب به‌عنوان یک معیار دیگر برای بررسی همسانی درونی که همگی بیشتر از ۰/۷۰ هستند، نشان‌دهنده پایایی مطلوب مدل‌های اندازه‌گیری هستند. معیار AVE میزان همبستگی یک متغیر مکنون با نشانگرهای خود بوده و روایی هم‌گرایی^۱ مدل را نشان می‌دهد. هر قدر میزان این همبستگی بیشتر باشد، روایی هم‌گرایی مدل اندازه‌گیری نیز بیشتر است. مقدار AVE بزرگ‌تر از ۰/۵۰ نشان‌دهنده روایی هم‌گراست (زارعی، ۱۳۹۷). در جدول (۳) ضرایب همبستگی بین متغیرها و روایی افتراقی^۲ مدل‌های اندازه‌گیری گزارش شده است.

1. Convergent Validity
2. Discriminant validity

جدول ۴: ضرایب همبستگی بین متغیرها و روایی افتراقی

سبک فرزندپروری ادراک شده	جو عاطفی خانواده	تصور مثبت از خدا	
		۰/۹۳۱	تصور مثبت از خدا
	۰/۸۱	۰/۶۱۷	جو عاطفی خانواده
۰/۹۳۲	۰/۷۵۶	۰/۶۰۹	سبک فرزندپروری ادراک شده

همان گونه که از داده‌های مندرج در جدول (۳) ملاحظه می‌شود، مقدار جذر AVE در قطر جدول (۴) گزارش شده است که از همبستگی‌های میان متغیرهای مکنون موجود در مدل بیشتر بوده و نشان‌دهنده روایی افتراقی مدل‌های اندازه‌گیری است. پس از تأیید کیفیت مدل اندازه‌گیری متغیرهای مورد مطالعه، مدل ساختاری پژوهش آزمون شد (شکل ۱).



شکل ۱: نتایج مدل اندازه‌گیری (بیرونی) و مدل ساختاری (درونی) در حالت ضرایب استاندارد

نتایج حاصل در شکل (۱) نشان می‌دهد میزان ضریب تعیین یا R^2 که در داخل دایره متغیر ملاک یا وابسته مدل نشان داده شده است، ۴۲/۸ درصد از واریانس متغیر تصور مثبت از خدا از طریق متغیرهای

پیش‌بین مدل، یعنی سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و جو عاطفی خانواده تبیین شده است. به‌عنوان یک قاعده کلی، مقدار R^2 برابر $۰/۰۲۵$ ، $۰/۵۰$ و $۰/۷۵$ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قابل توجه در نظر گرفته می‌شود. با توجه به این قاعده کلی، مقدار R^2 به‌دست‌آمده به‌عنوان ضریب تعیین متوسط محسوب شده و نشان‌دهنده برازش متوسط مدل ساختاری پژوهش است. در جدول ذیل ضرایب مسیر و معناداری آنها با استفاده از آماره t گزارش شده است.

جدول ۵: ضرایب مسیر و معناداری ضرایب با آماره t

از متغیر مکنون	به متغیر مکنون	مقدار ضریب استاندارد	آماره t	sig
سبک فرزندپروری ادراک‌شده $\rightarrow$	تصور مثبت از خدا	۰/۳۳۳	۲/۹۱	۰/۰۰۴
جو عاطفی خانواده $\rightarrow$	تصور مثبت از خدا	۰/۳۶۶	۳/۵۱	۰/۰۰۱

بر اساس نتایج گزارش‌شده در جدول (۵) ضریب مسیر مثبت و معناداری بین سبک فرزندپروری ادراک‌شده ($۰/۳۳۳$) و جو عاطفی ($۰/۳۶۶$) به تصور مثبت از خدا وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش پیش‌بینی تصور ذهنی از خدا در ذهن دانشجویان بر اساس جو عاطفی خانواده و سبک فرزندپروری ادراک‌شده از مادر بود. یافته‌ها نشان داد ضریب مسیر مثبت و معناداری بین سبک فرزندپروری ادراک‌شده و جو عاطفی به تصور مثبت از خدا وجود دارد. این یافته‌ها با پژوهش‌های داخلی (برآبادی و همکاران، ۱۳۹۳؛ رحیمی‌نژاد و پاک‌نژاد، ۱۳۹۳؛ خیراللهی کوهانستانی و صادقی، ۱۳۹۴؛ اعظمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ نوروزی و سپهریان آذر، ۱۳۹۵؛ قابضی و همکاران، ۱۳۹۶؛ سرآبادانی تفرشی و جان‌بزرگی، ۱۳۹۷؛ شیشه‌بر و اسعدی، ۱۳۹۸؛ عاشقی و همکاران، ۱۳۹۸؛ میکائیلی و پرزور، ۱۳۹۸؛ میرجلیلی و همکاران، ۱۳۹۹؛ فیروزی و همکاران، ۱۴۰۱) و پژوهش‌های خارجی (لی، ۲۰۱۴؛ شاو، ۲۰۱۶؛ ملانی، ۲۰۱۹؛ بولت و همکاران، ۲۰۲۰؛ کاپتانوویچ و اسکوگ، ۲۰۲۰؛ لوسیا و جویزی، ۲۰۲۳) همسو است. بر اساس نتایج پژوهش توپچی و همکاران (۱۴۰۲)، جو عاطفی خانواده با تصویر مثبت از خدا رابطه مثبت و معنادار دارد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت جو عاطفی خانواده به‌عنوان نخستین و پایدارترین محیطی که فرد در آن رشد می‌یابد، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری نگرش‌ها، باورها و تصویر ذهنی او از جمله خدا دارد. شاید از این جهت است که خداوند در آیه ۲۱ سوره روم اساس رابطه زوجین را مودت و رحمت

معرفی کرده است؛^۱ چراکه کودکان در این فضا پرورش می‌یابند و رشد می‌کنند. در خانواده‌ای که ارتباطات عاطفی قوی، حمایت روانی، درک متقابل و ابراز محبت به‌صورت مداوم جریان دارد، کودک احساس امنیت، ارزشمندی و پذیرش را تجربه می‌کند. این احساسات درونی‌شده در فرآیند رشد، به نحوه نگرش او نسبت به خداوند تعمیم می‌یابد و موجب می‌شود که او خدا را به‌عنوان موجودی مهربان، حامی و بخشنده ببیند (افروز، ۱۳۹۶). از منظر نظریه یادگیری اجتماعی بندورا^۲ (۱۹۷۷)، فرزندان الگوهای رفتاری و هیجانی والدین را مشاهده و درونی می‌کنند و در خانواده‌ای که محبت و حمایت در جریان است، کودک می‌آموزد که روابط مبتنی بر اعتماد و دوستی را با دیگران از جمله با خدا برقرار کند. بنابراین چنین فردی هنگام رویارویی با مسائل دینی، احتمال بیشتری دارد که خداوند را موجودی همراه، خیرخواه و حمایتگر ببیند (روجرز،^۳ ۲۰۱۳). بر اساس دیدگاه رشد شناختی پیاژه^۴ (۱۹۶۹) که به شناخت دینی نیز قابل تعمیم است، کودکان در سنین پایین خدا را بر اساس تجربیاتشان با والدین و مراقبان اولیه درک می‌کنند؛ از این رو اگر این تجربیات مملو از مهربانی، توجه و همدلی باشد، کودک خدا را نیز با همین ویژگی‌ها خواهد شناخت (گانتی و بوری،^۵ ۲۰۰۸). در مقابل، خانواده‌هایی که دارای جو عاطفی سرد، پر از تعارض و فاقد حمایت روانی هستند، بستر مناسبی برای شکل‌گیری تصویر مثبت از خدا فراهم نمی‌کنند. در چنین محیط‌هایی، کودک ممکن است احساس ناامنی، طرد شدن یا عدم ارزشمندی کند. این تجربه‌های منفی، بعدها در زندگی او به شکل تصویری سخت‌گیر، بی‌رحم یا غیر قابل دسترس از خدا تجلی می‌یابند (برکاو و ادوارز،^۶ ۱۹۹۴، به نقل از: رادی و همکاران، ۱۳۹۳). بر اساس نظریه طرح‌واره‌های شناختی یانگ^۷ (۱۹۹۰)، افرادی که در کودکی تجربه‌های عاطفی منفی و آسیب‌زا داشته‌اند، احتمالاً طرح‌واره‌های ناسازگاری همچون «بی‌ارزشی» یا «بی‌اعتمادی» را در خود پرورش می‌دهند. این طرح‌واره‌ها نه تنها در روابط بین فردی، بلکه در باورهای دینی آنها نیز بازتاب می‌یابد؛ به گونه‌ای که خداوند را موجودی سخت‌گیر، تنبیه‌کننده و ناپذیرا درک می‌کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). همچنین بر اساس نظریه دلبستگی کرک پاتریک (۱۹۹۹)، افرادی که در دوران کودکی سبک دلبستگی ناایمن را تجربه کرده‌اند، بیشتر احتمال دارد که رابطه‌ای

۱. «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...»

2. Albert Bandura

3. Rogers, P.

4. piazheh

5. Gunty, A. L. & Buri, J. R.

6. Brokaw, B. F. & Edwards, K. J.

7. Young

ترس‌آلود و دلهره‌آور با خدا داشته باشند. برای مثال، فردی که والدینش برای کوچک‌ترین اشتباهی او را تنبیه کرده‌اند، ممکن است خدا را نیز همانند یک والد سخت‌گیر تصور کند که به دنبال مجازات است. پژوهش‌ها در روان‌شناسی دین نشان داده‌اند که کودکان والدین مستبد که در خانواده‌های کنترل‌گر و فاقد محبت رشد یافته‌اند، بیشتر احتمال دارد که تصویری منفی از خدا، به‌عنوان موجودی سخت‌گیر و مجازات‌کننده، در ذهن خود شکل دهند. این افراد معمولاً از دین و مفاهیم مذهبی احساس ترس و اضطراب دارند؛ زیرا آن را منبع تنبیه و محدودیت می‌دانند (گرینوی، ۲۰۰۳، به نقل از: خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱). بررسی رابطه بین جو عاطفی خانواده و تصویر از خدا نشان می‌دهد که فضای خانوادگی، یکی از بنیادی‌ترین عوامل شکل‌دهنده درک افراد از مفاهیم متعالی و الهی است. تجربه‌های مثبت در خانواده، نظیر محبت، درک و حمایت عاطفی، زمینه‌ساز درک خداوند به‌عنوان موجودی مهربان و حامی است. در مقابل، خانواده‌های سرد، مستبد و فاقد تعاملات عاطفی سالم، باعث شکل‌گیری تصویری منفی از خداوند می‌شوند که با احساس ترس، طردشدگی و سخت‌گیری همراه است. همچنین مطابق نتایج این پژوهش بین سبک فرزندپروری ادراک‌شده از مادر با تصویر مثبت خدا رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین بین سبک فرزندپروری ادراک‌شده از مادر با تصویر منفی خدا رابطه منفی و معنادار وجود دارد. در تبیین این یافته‌ها بر اساس پیشینه پژوهش می‌توان گفت، افراد در دوران کودکی با درونی‌سازی اولیه‌ای که در ارتباط با والدین و مراقبان در خویش شکل می‌دهند و این الگوهای درون‌سازی‌شده مثبت یا منفی نسبت به مراقبان، در شکل‌دهی نوع تصویر از خدا مؤثر است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۳). در تبیین این رابطه می‌توان از نظریهٔ اریک اریکسون^۱ یاد کرد. بر اساس مرحلهٔ اول در این نظریه، در مراحل ابتدایی زندگی، نوزاد در تعامل با مراقبان اولیهٔ خود است و در این تعامل می‌کوشد همسانی، پیش‌بینی‌پذیر بودن و اتکا را پیدا کند و زمانی که احساس می‌کند والدینش باثبات، همسان و قابل اتکا هستند، آنگاه حس عمیق اعتماد به والد در او شکل می‌گیرد. با توجه به آنچه بیان شد، شیوهٔ تعامل ابتدایی مراقبت‌کننده در شکل‌گیری تصویر مثبت، اعتماد به جهان هستی و احساس امنیت نقش اساسی دارد و انسان می‌تواند این احساس مثبت و قابل اتکایی را به سایر روابط انتقال دهد (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳). وینیکات^۲ (۱۹۵۳) مفهوم خدا را از جمله اشیای انتقالی در نظر می‌گیرد که در نتیجهٔ تأمین نیازمندی‌های حیاتی کودک از سوی مادرش شکل می‌گیرد و همچنین با نظریهٔ شیلدروپها^۳ (۱۹۴۶)، به نقل از: سالاری‌فر، (۱۳۸۸)

1. Erik Erikson

2. Winnicott

3. Shildrops

همخوانی داشت که بر نقش مادر در شکل‌گیری نگرش مذهبی تأکید دارد و اشتیاق و تقرب به خدا را در نتیجه رفتار مادر می‌داند. افرادی که دارای تصویر مثبت از مادر هستند، دارای الگوی درونی تصور مثبت از خدا هستند. آنها پس از شکل‌گیری تصور مثبت از خدا بر این باورند که خدا به‌منزله یک پایگاه حضور دارد. همان‌طور که کودک مادر را پایه و اساس ایمنی می‌داند و در محیط جست‌وجو می‌کند، فرد نیز با اعتماد به اینکه خداوند اساس ایمنی است او را مهربان، در دسترس، یاری‌رسان، پناهگاه مطمئن و بهترین مونس برای خود می‌داند و تصورش این است که خداوند با آغوش باز او را می‌پذیرد (پاتریک، ۱۹۹۹). در پژوهش توپچی و همکاران (۱۴۰۲) گزارش شده است که هرچند تصویر والدین نشان‌دهنده تصویر خداست، اما تصور از خویشستن و خودپنداره مؤلفه قوی‌تری از نگاه فرد به خداست. پژوهش‌ها نشان داده‌اند کودکانی که خدا را قدرتمند تصور می‌کنند، هر دو والد به‌خصوص مادر را قدرتمند و با ویژگی‌های پدرانه در نظر می‌گیرند (دیک‌کی^۱ و همکاران، ۱۹۹۷). این یافته‌ها می‌توانند در حوزه مشاوره خانواده و روان‌شناسی دین مورد استفاده قرار گیرند تا راهکارهایی برای بهبود روابط خانوادگی و در نتیجه، اصلاح نگرش‌های دینی ارائه شود. از این منظر، تربیت مبتنی بر محبت و حمایت نه تنها بر سلامت روانی افراد تأثیرگذار است، بلکه نقش مهمی در شکل‌دهی معنویت مثبت و نگرش سالم نسبت به خداوند دارد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش که می‌توان به آنها اشاره کرد: نارسایی در اثبات علیت در طرح پژوهش حاضر، مشخص کردن روابط علی مفروض در مدل پیشنهادی و سیر تحولی دلبستگی در سنین مختلف رشد است که نیازمند مطالعات طولی می‌باشد. اگرچه داده‌های این پژوهش با مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام شد، اما تفسیر نهایی نتایج، به‌صورت علت و معلولی، باید با احتیاط صورت گیرد. مدل‌های ارائه‌شده در پژوهش حاضر، مدل‌های علی مبتنی بر ارتباط‌سنجی است، پس نباید روابط علت و معلولی تام را از آنها استنباط کرد. روش نمونه‌گیری در دسترس قابلیت تعمیم نتایج را کاهش می‌دهد. همچنین با توجه به ماهیت پژوهش امکان اثرگذاری تعصبات دینی در پاسخ‌گویی به سؤالات دور از انتظار نیست؛ چراکه بررسی مفاهیم دینی و اعتقادی بسیار عمیق و مفهومی است، و نیز امکان دارد افراد با وجود ناشناس بودن در پاسخ به سؤالات مفاهیم واقعی خود را بیان نکرده باشند، لذا به پژوهشگران محترم پیشنهاد می‌شود در اجرای پژوهش‌های آینده از روش‌های پژوهشی اثربخشی، طولی، مقطعی، علت و معلولی استفاده کنند و نیز با به‌کارگیری سایر روش‌های نمونه‌گیری تصادفی، از جمله روش طبقه‌ای، اجرای پژوهش در سایر گروه‌های سنی و اقشار و محیط‌های اجتماعی، استفاده از سایر روش‌های

1. Dickie, J. R.

جمع‌آوری اطلاعات، از جمله مصاحبه یا آزمون‌های فرافکن، استفاده از روش‌های تکمیلی مانند مصاحبه‌های عمیق یا مشاهده می‌توانند داده‌های دقیق‌تری را به‌دست آورند. بررسی نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در تبیین رابطه متغیرهای پژوهش، استفاده از روش‌های کیفی برای درک عمیق‌تر از نحوه شکل‌گیری تصویر خدا، اضافه کردن داده‌های کیفی (مانند تحلیل محتوای متون دینی) می‌تواند درک عمیق‌تری از موضوع پژوهش و نتایج به‌دست‌آمده ارائه دهد. متغیرهای مورد مطالعه تنها بخشی از عوامل مؤثر بر تصویر خدا هستند. سایر عوامل مانند ویژگی‌های شخصیتی، تجربیات معنوی، یا عوامل محیطی می‌توانند در پژوهش‌های آینده به‌عنوان متغیرهای تکمیلی بررسی شوند.

منابع

قرآن کریم.

آقامحمدی، جواد (۱۳۹۳). بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان. *پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی*، ۲، ۱۰۵. ابراهیمی، سیدمحسن، سیاه‌منصور، مژگان و امامی‌پور، سوزان (۱۳۹۳). چگونگی نقش سبک‌های دلبستگی و روابط موضوعی در شکل‌گیری تصور از خدا در دانش‌آموزان دوره متوسطه. *تحقیقات روان‌شناختی*، ۶(۲۲)، ۸۵-۷۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول عن آل الرسول* ﷺ. مصحح: علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

افروز، غلام‌علی (۱۳۹۶). *روان‌شناسی رابطه‌ها*. تهران: دانشگاه تهران. اعظمی، کیوان؛ قادری ثانوی، رمضانعلی؛ فتحی، منصور؛ رفیعی، حسن و قائد امینی هارونی، غلامرضا (۱۳۹۵). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین و هم‌نشینی با همسالان بزه‌کار. *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۷(۱)، ۷۷-۵۷. برآبادی، حسین‌احمد؛ اسمعیلی، معصومه؛ سلیمی بجستانی، حسین و کلانتر کوشه، سیدمحمد (۱۳۹۳). بررسی و مقایسه کیفیت تصور از خدا در بیماران مضطرب و افراد سالم. <http://ensani.ir/fa/article/423434>. برات‌پور، شهرزاد و نادری، فرح (۱۴۰۲). رابطه علی‌هوش معنوی و هوش اخلاقی با دلبستگی به خدا از طریق تصویر فرد از خدا در دانشجویان. *دستاوردهای روان‌شناختی*، ۳۰(۱)، ۲۰۵-۲۲۲.

پاتریک، کرک (۲۰۰۰). *دلبستگی، تکامل و روان‌شناسی دین*. ترجمه غلامرضا محمودی. تهران: وانیلا. توپچی، یاور؛ روشن چسلی، رسول و جان‌بزرگی، مسعود (۱۴۰۲). تدوین مدل نظم‌جویی شناختی هیجان بر اساس مؤلفه‌های خداپنداره، خودپنداره و سبک‌های دلبستگی با میانجیگری نیرومندی من. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۷(۳۲)، ۱۰۳-۷۹. doi: 10.30471/psy.2023.8460.1983

خاکساری، زهرا و خسروی، زهره (۱۳۹۱). خدا و تصور مثبت و منفی از او. *روان‌شناسی و دین*، ۵(۲)، ۸۳-۹۸. <https://ensani.ir/file/download/article/20140107151156-9716-40.pdf>

خیراللهی کوهانستانی، اکرم و صادقی، سعید (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری والدینی و تصور از خدا در نوجوانان دختر (۱۵-۱۸ ساله) مبارکه. *دومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران*. قم. <https://civilica.com/doc/418975>

رادی، مریم؛ حسین ثابت، فریده و برجلی، احمد (۱۳۹۳). بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و تصور از خدا در دانشجویان دانشگاه شیراز. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۵(۱۵)، ۴۳-۶۰.

رحیمی‌نژاد، عباس و پاک‌نژاد، محسن (۱۳۹۳). رابطه عملکرد خانواده و نیازهای روان‌شناختی با سلامت روانی نوجوانان. *خانواده‌پژوهی*، ۱۰(۱)، ۹۹-۱۱۱.

- رهواره، خدیجه؛ جامی، منیژه؛ رهواره، فاطمه و رئیسی، نائله (۱۴۰۱). بررسی تأثیر سبک‌های فرزندپروری در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. پنجمین همایش بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی. زارعی، حیدرعلی (۱۳۹۷). راهنمای آمار استنباطی در روان‌شناسی به زبان ساده. تهران: ارجمند.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۸). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سرآبادانی تفرشی، لیلا و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۷). رابطه خدایاندره (تصورپردازی ساختگی از خدا) و تحول روانی معنوی با افسردگی، اضطراب و استرس در دانشجویان. پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، ۴(۳)، ۴۵-۵۶.
- سرمد، زهره؛ حجازی، الهه و بازگان، عباس (۱۳۹۰). روش تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۰۲). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: مشهور.
- شولتز، دوان پی و شولتز، سیدنی ال (۱۳۹۸). نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ویرایش.
- شهبازی‌زاده، فاطمه و مظاهری، محمدعلی (۱۳۹۱). دلبستگی ادراک‌شده دوران کودکی کنش‌وری خانواده و مقابله مذهبی. روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی، ۳۱(۸)، ۲۲۱-۲۳۴.
- شیشه‌بر، نگار و اسعدی، سمانه (۱۳۹۸). رابطه تصویر والدین با تصویر خدا در کودکان ۸-۱۲ ساله: با رویکردی تحولی. خانواده‌پژوهی، ۱۵(۳)، ۳۱۱-۳۳۰.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۹۵). من لا یحضره الفقیه. ویراستار: علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صفایی حایری، علی (۱۳۹۹). آیه‌های سبز: داستان‌ها و نکات تربیتی. قم: لیل‌القدر.
- عاشقی، آرزو؛ خوش‌روش، وحید و یعقوبی، فاطمه (۱۳۹۸). رابطه جو عاطفی خانواده، حمایت اجتماعی ادراک‌شده با گرایش به رفتارهای پرخطر در نوجوانان شهر رشت. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۲(۲۱)، ۱۵-۲۶.
- <https://www.ensani.ir/file/download/article/1612094930-10144-99-170.pdf>
- عظیمی‌فر، شیرین؛ جزایری، رضوان السادات؛ فاتحی‌زاده، مریم و عابدی، احمد (۱۳۹۶). هم‌سجی تأثیر آموزش مدیریت والدین و آموزش فرزندپروری با روش درمانگری متمرکز بر پذیرش و تعهد در رابطه مادر - کودک مادران کودکان دچار مشکلات رفتاری برونی‌سازی‌شده. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۷(۲)، ۹۹-۱۲۲. doi: 10.22034/fcp.2018.57613
- عسگری، پرویز؛ صف‌زاده، سحر و قاسمی‌مفرد، مریم (۱۳۹۰). رابطه جو عاطفی خانواده و جهت‌گیری دهبی با گرایش به اعتیاد. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۵(۸)، ۷-۲۶.
- غباری بناب، باقر و حدادی کوهسار، علی‌اکبر (۱۳۹۰). دلبستگی به خدا در بافت فرهنگ اسلامی: پایه‌های نظری، ساخت و رواسازی ابزار اندازه‌گیری. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱(۴)، ۸۱-۱۰۶.
- <https://www.ensani.ir/file/download/article/20120419193448-8048-30.pdf>
- فیروزی، راحله؛ حسین‌نژاد، امین و زراست‌وند، عاطفه (۱۴۰۱). رابطه جو عاطفی خانواده و تنظیم شناختی هیجان با نشانه‌های اختلال نارسایی توجه / بیش‌فعالی در دانش‌آموزان. تعلیم‌و تربیت استثنایی، ۲(۱۶۸)، ۵۷-۶۸.
- فیض‌آبادی، سلیمه و خسروی، زهره (۱۳۸۸). مقایسه تصور از خدا و رضایت از زندگی در بین زنان خواهان طلاق و غیرخواهان طلاق شهرستان کاشان. پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی، ۴(۲)، ۹-۱۰.
- قابضی، فاطمه؛ صادقی، منصوره سادات؛ مرادخانی، لیلا، و پاسبانی، ریحانه (۱۳۹۶). پیش‌بینی‌پذیری احساس تنهایی بر اساس سبک دلبستگی با توجه به نقش میانجیگری ارتباط با خدا. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۱(۲۱)، ۱۰۷-۱۳۰. doi: 10.30471/psy.2018.1426
- کثانی، فاطمه و جان‌بزرگی، مسعود (۱۴۰۳). پیش‌بینی سلامت روانی بر اساس سبک‌های دلبستگی، تحول روانی معنوی و تصور از خدا در بین دانشجویان دختر. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۸(۳۵)، ۱۳۷-۱۴۷. doi: 10.30471/psy.2024.9700.2183
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳). اصول کافی. ترجمه حسین ولی. تهران: دارالکتب.
- مصباح، ایمان و صدوری دمیرچی، اسماعیل (۱۴۰۲). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس الگوهای ارتباطی و جو عاطفی خانواده مبدأ با میانجیگری. رویش روان‌شناسی، ۱۲(۸)، ۴۵-۵۶.
- مصباح، علی (۱۳۹۴). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. تهران: سمت.

- میری، میرنادر؛ بهرامی، احسان و بهرامی‌زاده، حمید (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های تربیتی ادراک‌شده پدر و رفتارهای پرخطر. *علوم روانشناختی*، ۱۱(۴۱)، ۷۸-۹۱.
- میرجلیلی، علی‌محمد؛ فلاح، محمدحسین؛ زارع زردینی، احمد و یوسفی، سمیه (۱۳۹۹). بررسی کیفی علل انگاره‌های ذهنی نادرست از خداوند. *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، ۲۴(۱)، ۲۳۹-۲۵۱.
- میکائیلی، اشرف و پرزور، پرویز (۱۳۹۷). الگوسازی معادلات ساختاری ارتباط بین تصور مثبت و منفی از خداوند با مؤلفه‌های سلامت روان (اضطراب، استرس و افسردگی) در دانش‌آموزان. *پژوهش‌های مشاوره*، ۶۹، ۱۶۳-۱۸۵.
<https://www.ensani.ir/file/download/article/1591109343-10271-98-170.pdf>
- نوروزی، مرصده و سپهریان آذر، فیروزه (۱۳۹۵). مقایسه نظریه ذهن، مفهوم خدا و مفهوم میهن در بین کودکان دارای سبک‌های فرزندپروری متفاوت. *شناخت اجتماعی*، ۵(۱)، ۸۳-۹۹.
- نیک‌سیرت، فرشته؛ خادمی اشکنزی، ملوک و هاشمی، زهرا (۱۳۹۵). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با انگیزش پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر. *انديشه‌های نوین تربیتی*، ۱۲(۴)، ۱۵۱-۱۷۴. doi: 10.22051/jontoe.2017.2686
- یانگ، جفری؛ کلوکسو، ژانت و ویشار، مارجوری (۲۰۰۳). *طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی*. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز. تهران: ارجمند.
- Baumrind, D. (1967). Child care practices anteceding three patterns of preschool behaviour. *Genetic Psychology Monographs*, 15, 43-88.
- Dickie, J. R., Eshleman, A. K., Merasco, D. M., Shepard, A., Vander, M., and Johnson, M. (1997). Parent-child relationships and children's images of God. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36, 25-43
- Eurelings-Bontekoe, E. H. M., Hekman-Van Steeg, J. & Verschuur, M. J. (2005). The association between personality, attachment, psychological distress, church denomination and the god concept among a non-clinical sample. *Mental Health, Religion & Culture*, 8(2), 141-154.
- Glover Rebecca, J.(1996). Relationships in moral Reasoning and religion among members of conservative, Moderate, and liberal Religious Groups. *The Journal of social psychology*, 1(137).
- Grolnick, W. S., Ryan, R. M., & Deci, E. L. (1991). Inner resources for school achievement: Motivational mediators of children's perceptions of their parents. *Journal of educational psychology*, 83(4), 508-517
- Gunty, A. L., Buri, J. R. (2008). Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas. Online Submission, Paper presented at the Annual Meeting of the Midwestern, Psychological Association (Chicago, IL, 33pp).
- Hillburn, J. M. (1964). Effect of adolescence on the serum growth hormone response to hypoglycemia. *J Pediatr*, 77(3), 465-467.
- Lawrence, R. T. (1997). Measuring the image of god: The god imdge inventory and the god image scales. *The Journal of Psychology and Theology*, 25, 214-226
- Lee, Soo-Young. Biola University ProQuest Dissertations & Theses, 2014. 3685738.
<https://www.proquest.com/docview/1666453679/C4065B4274FB4057PQ/22?sourcetype>.
- Lucia Mwikali K. Mutuku, Joyzy Pius Egunjobi. (2023). Influence of parenting styles on image of God among selected students of Teresa Nuzzo Girls Secondary School, Kiambu County, Kenya.
- Perry W. H. Shaw. 2016. Parenting that Reflects the Character of GOD.
<https://doi.org/10.1177/073989131601300104>
- Rogers, P. (2013). Investigating the relationship between adult attachment style and belief in the paranormal: Results from two studies. *Imagination, Cognition and Personality*, 32(4), 393-425.
- Verhagen, P., Van, P. H. M., López-Ibor, J. J., Cox, J. and Moussaoui, D. (2010). *Religion and Psychiatry: Beyond Boundaries*. Wiley press.
- Winnicott, D. W. (1953) Transitional Objects and Transitional Phenomena-A Study of the First Not-Me Possession. *International Journal of Psychoanalysis*, 34, 89-97